

بررسی نظریه اسکوپوس (هدفمندی) در نهضت ترجمه بغداد

محمد رضا هاشمی (دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد)

Hashemi@ferdowsi.um.ac.ir

امیر داود حیدرپور (دانشجوی دکتری مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول)

amir.davood.heidarpour5@gmail.com

چکیده

نهضت ترجمه بغداد یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ترجمه است. پیروی از شیوه علمی در ترجمه، تنوع آثار ترجمه‌شده و اتخاذ روش‌های مختلف در ترجمه از جمله ویژگی‌های این نهضت یا «مکتب ترجمه بغداد» هستند. نظریه اسکوپوس یا هدفمندی در ترجمه نیز که نخستین بار در اواخر دهه هفتاد میلادی از سوی هانس ورمیر^۱ مطرح شد، از مهم‌ترین نظریات کارکردگرا در حوزه مطالعات ترجمه به‌شمار می‌رود. در این نظریه، هدف نقش عمده‌ای در جهت‌دهی به کنش ترجمه ایفا می‌کند؛ تا آنجایی که شکل نهایی ترجمه در متن مقصد تابع هدفی است که برای آن در نظر گرفته شده است. در این نظریه، بحث «سفارش» برای نخستین بار مطرح می‌شود و مخاطب اهمیت ویژه‌ای در تصمیم‌گیری‌های مترجم پیدا می‌کند. در مقاله حاضر، نهضت ترجمه بغداد با توجه به شاخص‌های نظریه هدفمندی بررسی شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد موارد مطرح‌شده در نظریه هدفمندی نمود بارزی در نهضت بغداد داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: هدفمندی، سفارش، نهضت بغداد، مطالعات ترجمه، کارکردگرایی.

۱. مقدمه

طرح عنوان «مطالعات ترجمه»^۲ از سوی هولمز^۳، نظریه‌پرداز هلندی و تثبیت آن به‌عنوان رشته دانشگاهی مستقل، معادلات نظری در حوزه ترجمه را تغییر داد. تا پیش از آن تصور

1. Hans Vermeer
2. Translation Studies
3. J. Holmes

غالب صاحب‌نظران این عرصه بر آن بود که ترجمه صرفاً آینه‌ای تمام‌نما از متن مبدأ است و بنابراین، نقش آن انتقال اطلاعات می‌باشد؛ اما پس از مطرح‌شدن بحث «مطالعات ترجمه»، ترجمه به‌مثابه ابزاری برای انتقال فرهنگ مطرح شد. به‌سخن‌دیگر، تا پیش از آغاز نیمه دوم قرن بیستم، دو جریان عمده بر ترجمه حاکم بود؛ جریان اول مربوط به گروهی بود که دغدغه‌های ادبی داشتند و پیش‌فرض‌های نظری و قواعد هنجارمدار و اصطلاحات زبان‌شناختی را برای ترجمه برنمی‌تافتند؛ گروه دوم زبان‌شناسان و دستوریانی بودند که نگاهی علمی به ترجمه داشتند و سعی می‌کردند ترجمه را از گزند نظرات شخصی دور بدارند. به‌همین دلیل بر نقش علم معناشناسی در ترجمه تأکید زیادی داشتند (گنتزler، ۱۹۹۳).

در این شرایط هولمز با مطرح‌کردن بحث «مطالعات ترجمه» کوشید میان این دو جریان که یکی ترجمه را هنر می‌دانست و دیگری علم، پل بزند. هولمز (۱۹۷۲) در مقاله معروف خود، علاوه بر اعلام ترجمه به‌عنوان رشته مستقل دانشگاهی، از «مباحث نظری آن روز ترجمه که صرفاً منعکس‌کننده دیدگاه و روش نویسنده اصلی بود و نیز علوم ترجمه که به کار بررسی متون ادبی نمی‌آمد، فاصله گرفت و رویکرد تازه‌ای را مطرح کرد» (گنتزler، ۱۹۹۳، ص. ۷۴).

درواقع، هولمز به‌دنبال آن بود تا با موردکاوی ترجمه‌ها به سازوکار ترجمه پی برد و براین‌اساس، نظریه‌ای جامع در زمینه ترجمه ارائه کند (ماندی، ۲۰۱۲). لفویر^۱ (۱۹۷۸ الف، ۷، به‌نقل از گنتزler، ۱۹۹۳، ص. ۷۵) در این زمینه می‌گوید: «مطالعات ترجمه برای اینکه از مفاهیم آرمان‌گرایانه و ایستا که ویژگی بارز رویکردهای پیشین به ترجمه بود برهد، بنیان نظری تحقیق در زمینه ترجمه را تغییر داد و اساس آن را برپایه مفهوم تکاملی «فراعلم»^۲ بنا نهاد؛ نه براساس مفاهیم مطرح در پوزیتیویسم منطقی یا مفاهیم هرمنوتیک».

برهمن‌اساس، «مطالعات ترجمه» به‌جای بررسی ماهیت فلسفی معنا، به واکاوی چگونگی انتقال معنا پرداخت. افزون‌براین، در رویکرد جدید هولمز به ترجمه، تغییر ماهیت «مرجع» بسیار آشکار است؛ به‌نحوی که در مدل هولمز ترجمه به همان چیزی که متن اصلی در جهان

1. Lefevere
2. Metascience

واقع به آن اشاره دارد، بر نمی‌گردد؛ بلکه تابع یک قالب‌بندی زبانی است (گنتزler، ۱۹۹۳). آنچه از گفته بالا برمی‌آید این است که هولمز همچون کارکردگرایان، به امکان وجود ترجمه‌های مختلف از یک متن واحد در موقعیت‌های ارتباطی مختلف اعتقاد داشته است. در واقع، شاید بتوان گفت کارکردگرایان آلمانی در دهه ۱۹۸۰ میلادی از جمله ورمیر، صاحب نظریه هدفمندی در ترجمه، بسیار تحت‌تأثیر رویکرد نظری هولمز به ترجمه بوده‌اند؛ زیرا، در کارکردگرایی آلمانی به نقش ارتباطی زبان، محیط ارتباطی و بافت اجتماعی که متن در آن شکل می‌گیرد، توجه بسیاری می‌شود؛ در این رویکرد علاوه بر کارکرد عام زبان و کارکرد متن مبدأ در فرهنگ و زبان مبدأ، کارکرد متن ترجمه‌شده در زبان و فرهنگ مقصد نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (بیکر، ۲۰۰۹). این مسئله در نظریه هولز مانتاری^۱ به نام «کنش ترجمه»^۲ و به‌ویژه نظریه هدفمندی^۳ در ترجمه نقش محوری دارد.

در نظریه هدفمندی که هانس ورمیر برای نخستین بار آن را در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی مطرح کرد، اهمیت هدف چنان برجسته است که «راهبرد ترجمه را تعیین می‌کند» (ماندی، ۲۰۱۲، ص. ۱۲۲). این نظریه علاوه بر توجه ویژه به نقش هدف در تعیین روند ترجمه، اهمیتی دوچندان برای مخاطب قائل است. ورمیر در این زمینه می‌گوید: «مترجم همواره باید با توجه به اصولی که متن مقصد را محترم می‌شمرد، ترجمه کند» (ماندی، ۲۰۱۲، ص. ۱۲۴). همچنین، این نظریه برای اولین بار بحث پیمانکاری یا سفارش در ترجمه را به شکل حرفه‌ای آن مطرح می‌کند و معتقد است هدف ترجمه، نوع مخاطب، مهلت تحویل ترجمه و کارانه (حق الزحمه) مترجم باید در قرارداد ترجمه لحاظ شود (ورمیر، ۱۹۸۹).

مکتب ترجمه بغداد^۴ که بیکر (۲۰۰۹) از آن با عنوان «عصر طلایی ترجمه» یاد می‌کند، از جمله درخشان‌ترین دوران تاریخی در انتقال علوم بشری به‌شمار می‌رود. پیروی از شیوه علمی در ترجمه، تنوع آثار ترجمه‌شده و اتخاذ روش‌های مختلف در ترجمه از جمله

-
1. Holz-Mantari
 2. Translation action theory
 3. Skopos theory
 4. Baghdad School

ویژگی‌های ترجمه در طی این دوره بوده‌اند. تأسیس مرکز علمی- پژوهشی «بیت‌الحکمه» نقطه اوج نهضت ترجمه بغداد به‌شمار می‌رود. در این مرکز علمی دانشمندان علوم مختلف به پژوهش، ویرایش و ترجمه آثار علمی مشغول بوده‌اند (فانی، ۱۳۶۵). ترجمه لفظ‌گرا و ترجمه مفهومی دو شیوه معمول ترجمه در این نهضت بوده‌اند (بیکر، ۲۰۰۹، ص. ۳۳۳).
حنین بن اسحاق و ابن ماسویه دو چهره شاخص ترجمه در نهضت بغداد بوده‌اند.

نهضت ترجمه بغداد تاکنون از جهات گوناگون مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما تا آنجایی که نگارندگان مقاله اطلاع دارند، تاکنون کوششی در زمینه بررسی نهضت ترجمه بغداد از منظر الگوها و رویکردهای نوین ترجمه در عصر حاضر انجام نشده است. در مقاله حاضر سعی بر آن است تا شاخص‌های نظریه هدفمندی در ترجمه؛ یعنی، «هدف» و ابعاد سه‌گانه آن؛ یعنی، «مخاطب»، «سفارش» و «رسانه» در نهضت ترجمه بغداد به‌طور جداگانه بررسی گردد.

۲. پیشینه تحقیق

۲.۱. نظریه هدفمندی

نظریه هدفمندی در ترجمه یا اسکوپوس بخشی از نظریه کنش ترجمه هولز مانتاری است (ماندی، ۲۰۱۲). نکته اصلی در این نظریه این است که ترجمه کنشی هدفمند و مبتنی بر متن مبدأ است (ورمیر، ۱۹۸۹). از نظر ورمیر، کنش عبارت است از «رفتار هدفمند» و هر کنش هدفمند، معطوف به نتیجه است؛ پس، ترجمه نیز به‌مثابه نوعی کنش، ناگزیر باید هدفمند باشد و نتیجه‌ای داشته باشد که همان متن ترجمه‌شده است (ورمیر، ۱۹۸۹).

اهمیت هدف در نظریه هدفمندی در ترجمه تا آنجا است که «نوع رابطه میان متن مبدأ و مقصد را مشخص می‌سازد و راهبرد ترجمه را تعیین می‌کند» (ورمیر، ۱۹۸۹). به‌سخن دیگر، این هدف است که شکل نهایی ترجمه را مشخص می‌نماید و انتخاب‌های مترجم را توجیه‌پذیر می‌کند؛ از این رو، تعیین دقیق هدف در ترجمه از ملزومات کار مترجم است (ورمیر، ۱۹۸۹). به‌علاوه از آنجایی که در این نظریه «هدف»، روش‌ها و راهبردهای ترجمه را مشخص

می‌کند، اطلاع از چرایی انتخاب متن مبدأ و چگونگی کارکرد متن ترجمه در زبان و فرهنگ مقصد، برای مترجم از اهمیت زیادی برخوردار است (ماندی، ۲۰۱۲، ص. ۱۲۲).

در نظریه هدفمندی، هدف یا از طریق کارفرما تعیین می‌شود و به مترجم ابلاغ می‌گردد یا مترجم خود آن را تعیین می‌کند. در روش اول، کارفرما در قالب سفارش، هدف ترجمه را برای مترجم تعیین می‌کند و از او می‌خواهد ترجمه را براساس آن هدف خاص انجام دهد. در این شرایط، مترجم تنها نقش میانجی میان دو متن مبدأ و مقصد را ایفا می‌کند و اختیار چندانی جز انتخاب راهبردهای ترجمه متناسب با هدف ندارد؛ اما در روش دوم، مترجم خود کارفرمای خویش است و در هدف‌گذاری و انتخاب راهبردهای ترجمه آزادی عمل کامل دارد. از آنجایی که در نظریه هدفمندی، مترجم به‌مثابه فردی صاحب‌نظر در حوزه تخصصی خود به‌شمار می‌آید، مسئولیت همه امور ترجمه بر عهده او است (ورمیر، ۱۹۸۹). در واقع، این مترجم است که بنا به تشخیص خود، درمورد جایگاه متن مبدأ در ترجمه خود تصمیم می‌گیرد و میزان وابستگی به متن مبدأ و عناصر فرهنگی و زبانی آن را تعیین می‌کند (ورمیر، ۱۹۸۹).

تعیین قید «تخصص» برای مترجم از اصول و نکات برجسته نظریه هدفمندی است. تصریح چنین شرطی، ترجمه را از فعالیتی عمومی به حرفه‌ای تخصصی تبدیل می‌کند و مانع ورود افراد غیرمتخصص به این حوزه می‌شود؛ زیرا، براساس اصل یادشده، مترجم در برابر ترجمه خود پاسخ‌گو است و بعید است افراد غیرمتخصص بتوانند پاسخ مناسبی در قبال کیفیت پایین ترجمه خود داشته باشند. همچنین، تقسیم ترجمه به حوزه‌های تخصصی متعدد و لزوم همراهی متخصصان هر یک از حوزه‌ها با مترجم، از دیگر نکات قابل طرح در خصوص اصل یادشده است.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، در نظریه هدفمندی شرط تولید ترجمه خوب تعیین دقیق هدف است. این هدف در بیشتر موارد به‌صراحت بیان می‌گردد و در قرارداد میان کارفرما و مترجم گنجانده می‌شود؛ اما در مواردی نیز به‌طور ضمنی و غیرمستقیم تعیین می‌شود؛ برای مثال، ورمیر (۱۹۸۹) معتقد است در ترجمه یک متن تبلیغاتی، مترجم به‌طور طبیعی به‌دنبال آن

است تا نظر خواننده را نسبت به آنچه تبلیغ می‌شود، جلب کند؛ چه این تأثیرگذاری بر مخاطب به صراحت بیان شود و چه بیان نشود.

یکی از انتقادات وارد به نظریه هدفمندی در ترجمه این است که هر کنشی لزوماً هدفمند نیست؛ زیرا، برخی از کنش‌ها هدف خاصی ندارند (ماندی، ۲۰۱۲)؛ البته این گفته بیشتر در خصوص متون ادبی مطرح است. برخی معتقد هستند پاره‌ای از متون ادبی هدفی را دنبال نمی‌کنند و بنابراین نمی‌توان هدفی برای آن‌ها قائل بود. ورمیر (۱۹۸۹) در پاسخ به این نقد، هدف را در ترجمه از سه جنبه تعریف می‌کند: الف. فرایند ترجمه و هدف آن؛ ب. محصول ترجمه و کارکرد متن ترجمه‌شده؛ ج. رسانه ترجمه و مقصود از انتخاب آن. به نظر ورمیر، اگر کنشی فاقد هدف، کارکرد و مقصود باشد، با توجه به تعریف ارائه‌شده، دیگر نمی‌توان آن را «کنش» نامید؛ بنابراین، آفرینش ادبی حتی اگر برای کسب درآمد باشد، هدفمند است و نمی‌توان آن را بی‌هدف دانست (ورمیر، ۱۹۸۹).

گروه دیگری از منتقدان معتقد هستند به هر ترجمه‌ای نمی‌توان هدفی نسبت داد (ماندی، ۲۰۱۲، ص. ۱۲۵). این نقد که به گفته ورمیر زیرمجموعه نقد اول است، شامل سه ادعا است: الف. مترجم هیچ هدف، کارکرد یا مقصود مشخصی را مدنظر ندارد و صرفاً متن مبدأ را ترجمه می‌کند؛ ب. در نظر گرفتن هدف، کارکرد و مقصودی خاص برای ترجمه، ترجمه را از جامعیت خارج می‌کند و دایره تفسیر متن ترجمه‌شده را نسبت به متن مبدأ تنگ می‌کند؛ ج. مترجم، مخاطب یا گروه مشخصی از مخاطبان را در نظر ندارد (ورمیر، ۱۹۸۹، به نقل از ونوتی، ۲۰۰۴، ص. ۲۳۲).

ورمیر در پاسخ به نخستین ادعا می‌گوید که متن مبدأ در فرهنگ و زبان مبدأ برای مقصود خاصی نگاشته شده است و حتی اگر مترجم بخواهد صرفاً متن مبدأ را برگرداند، باز هم کار او هدفمند است؛ برای مثال، متن خبری برای آگاهی خواننده از یک موضوع خاص تنظیم می‌شود و طبعاً ترجمه آن نیز چنین هدفی را دنبال خواهد کرد؛ یا متن یک بروشور شامل دستورالعمل‌های استفاده از یک ابزار خاص است؛ بنابراین، ترجمه آن نیز به همان منظور استفاده خواهد شد؛ براین اساس، از آنجایی که متن مبدأ با هدف مشخصی تولید می‌شود، ترجمه

آن نیز هدفمند خواهد بود؛ حتی اگر مترجم به آن توجه نداشته باشد (ورمیر، ۱۹۸۹، به نقل از ونوتی، ۲۰۰۴، ص. ۲۳۲). ورمیر در پاسخ به ادعای دوم مبنی بر محدود شدن دامنه تفسیرپذیری متن ترجمه بر اثر تعیین هدف خاص برای متن ادبی می‌گوید:

قطعاً تعیین هدف مشخصی ممکن است مانع برخی تفسیرها از متن مبدأ شود؛ زیرا، این تفسیرها بخشی از هدف تعیین شده برای ترجمه نیستند؛ اما یکی از اهداف ممکن برای ترجمه می‌تواند حفظ دقیق دامنه تفسیرپذیری متن مبدأ در ترجمه باشد. به عبارت دیگر، ترجمه صرفاً چیز متفاوتی را عینیت می‌بخشد؛ نه چیزی کمتر و نه چیزی بیشتر (ورمیر، ۱۹۸۹، به نقل از ونوتی، ۲۰۰۴، ص. ۲۳۲)

از دیگر نکات برجسته نظریه هدفمندی توجه ویژه آن به مخاطب است. براساس اصل چهارم این نظریه، به نام اصل «انسجام»، ترجمه‌ای از انسجام درونی برخوردار است که با سطح دانش و موقعیت خواننده تناسب داشته باشد (ماندی، ۲۰۱۲). چون افراد یک جامعه به لحاظ موقعیت فرهنگی، اجتماعی و علمی همگون نیستند، براساس اصل ذکر شده می‌توان از یک متن ترجمه‌های متعدد و برای گروه‌های هدف متفاوت، ارائه داد (ماندی، ۲۰۱۲)؛ بنابراین، این مترجم است که با توجه به مخاطب هدف، راهبردهای ترجمه را تعیین می‌کند. در این زمینه ورمیر می‌گوید: «مترجم همواره باید با توجه به اصولی که متن مقصد را محترم می‌شمرد، ترجمه کند. نظریه هدفمندی این اصول را تعیین نمی‌کند؛ بلکه اصول ذکر شده در هر ترجمه‌ای متفاوت هستند و باید با توجه به ویژگی‌های آن ترجمه خاص تعیین شوند (ورمیر، ۱۹۸۹، ص. ۲۲۸، به نقل از ماندی، ۲۰۱۲، ص. ۱۲۵).

علاوه بر اینکه ورمیر (۱۹۸۹) می‌پذیرد گاه تولیدکننده متن اصلی و نیز مترجم، مخاطب مشخصی را در نظر ندارند، اما معتقد است که نویسنده و مترجم حتی به صورت ناخودآگاه متن را برای مخاطب خاصی تولید می‌کنند. به نظر ورمیر (۱۹۸۹، ص. ۲۳۳) همین‌که نویسنده یا مترجمی باور داشته باشد که متنی «قابل فهم» تولید می‌کند و بپذیرد که افراد جامعه از سطح سواد و هوش متفاوتی برخوردار هستند، حتماً اثر خود را، خودآگاه یا ناخودآگاه با توجه به

1. Coherence rule

گروه خاصی از افراد جامعه تنظیم می‌کند و برای این کار معمولاً میزان اطلاعات خود از مخاطبان را معیار قرار می‌دهد؛ یعنی، مخاطبان مورد نظر نویسنده یا مترجم، افراد طبقه‌ای هستند که تاحدودی همفکر او هستند و از سطح سواد مشابهی برخوردار می‌باشند.

مسئله سفارش از دیگر نکات مطرح در نظریه هدفمندی است. تا آنجایی که نگارندگان این مقاله اطلاع دارند، نظریه هدفمندی ورمیر اولین و تنها نظریه‌ای است که بحث «سفارش» را در ترجمه مطرح می‌کند و نگاهی تجاری و کاملاً حرفه‌ای به ترجمه دارد. ورمیر (۱۹۸۹) معتقد است همه جزئیات مربوط به ترجمه از جمله هدف، قیمت، نوع مخاطب، زمان تحویل کار و نحوه انجام ترجمه باید در سفارش ترجمه گنجانده شود و مترجم و کارفرما بر سر آن به توافق برسند. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، سفارش‌دهنده می‌تواند بیرونی باشد (فرد، مؤسسه، ناشر، سازمان خاص که به مترجم سفارش کار می‌دهد) و نیز خود مترجم باشد. در هر صورت «کنش ترجمه براساس یک سفارش صورت می‌پذیرد» (ورمیر، ۱۹۸۹، به نقل از ونوتی، ۲۰۰۴، ص. ۲۳۴)؛ بنابراین، در این نظریه، «سفارش» عبارت است از دستورالعمل پیمانکاری از سوی مترجم یا سفارش‌دهنده (کارفرما) برای انجام ترجمه به‌مثابه یک «پیمان» (ورمیر، ۱۹۸۹، به نقل از ونوتی، ۲۰۰۴، ص. ۲۳۴).

می‌توان گفت «سفارش» محوری‌ترین مسئله در نظریه هدفمندی است؛ به‌طوری‌که «چگونگی» ترجمه تابع سفارش ترجمه است که شامل هدف ترجمه نیز می‌شود. براساس این نظریه، ترجمه‌ای موفق است که بتواند هدف تعیین‌شده در سفارش را تحقق بخشد (ماندی، ۲۰۱۲). به عبارت دیگر، در این نظریه برخلاف دیگر نظریه‌های همزمان خود، بر مفهوم معادل تأکید نمی‌شود؛ بلکه این مفهوم جای خود را به بسندگی^۱ می‌دهد و بسندگی عبارت است از رابطه میان متن مبدأ و مقصد براساس هدف تعیین‌شده برای ترجمه (ماندی، ۲۰۱۲). به‌سختی دیگر، ترجمه موفق ترجمه‌ای است که به هدف معین خود دست یابد و در این راستا تناظر یک‌به‌یک میان متن مبدأ و مقصد اهمیت ندارد. در واقع، تعیین هدف در قالب سفارش به

1. Adequacy

مترجم کمک می‌کند تا نسبت به نوع رفتار با متن مبدأ به صورت «بازنویسی»، «دگر نویسی»، یا «ویرایش کلی» متن تصمیم بگیرد (ورمیر، ۱۹۸۹، به نقل از ونوتی، ۲۰۰۴، ص. ۲۳۷).

تا قبل از نظریه ورمیر، متن مبدأ از جایگاه والایی نزد مترجمان برخوردار بود و گویی بر تخت پادشاهی تکیه کرده بود؛ اما پس از نظریه ورمیر جایگاه متن مبدأ تغییری شگرف پیدا کرد. به تعبیر نینگ (۲۰۰۸)، «سرنگونگی تخت پادشاهی متن مبدأ» از جمله مهم‌ترین پیامدهای نظریه هدفمندی در حوزه مطالعات ترجمه است. طبق این نظریه، متن مبدأ برای مخاطب مشخصی و در فرهنگ مشخصی تولید شده است و متن ترجمه برای مخاطبی دیگر و فرهنگی دیگر تولید می‌شود؛ بنابراین، در ترجمه لزومی به تبعیت محض از متن مبدأ نیست؛ بلکه متن ترجمه خود وجودی مستقل دارد و باید در تولید متن جدید (ترجمه) ویژگی‌های زبانی، فرهنگی و شرایط مخاطب در نظر گرفته شود (مانندی، ۲۰۱۲).

البته ترجمه می‌تواند تقلیدواره‌ای از متن مبدأ باشد؛ اما این یکی از روش‌های انجام ترجمه است که متناسب با هدف‌گذاری مترجم یا کارفرما صورت می‌گیرد؛ به این ترتیب قداستی که تا پیش از این متن مبدأ از آن برخوردار بود، از بین می‌رود و ترجمه از بند لفظ‌گرایی می‌رهد و امکان ارائه ترجمه‌های متعدد از یک متن واحد فراهم می‌شود؛ بنابراین، به گفته ورمیر (۱۹۸۹)، براساس این نظریه، «بهترین ترجمه» وجود ندارد و هر ترجمه تنها یکی از ترجمه‌های ممکن برای بازتولید متن مبدأ است. در واقع، متن مبدأ صرفاً منبع اطلاعاتی مترجم به حساب می‌آید و مقدار و چگونگی ارائه این اطلاعات بنابه تشخیص مترجم و در راستای دستیابی به اهداف تعیین‌شده برای ترجمه تعیین می‌گردد (نینگ، ۲۰۰۸).

با این وجود باید توجه داشت که اتخاذ چنین رویکردی نسبت به متن مبدأ تنها زمانی ممکن است که مترجم، همان‌گونه که در این نظریه نیز بر آن تأکید شده است، خبره و متخصص باشد و بداند در هر موقعیتی چگونه باید عمل کند؛ در غیر این صورت به کارگیری چنین رویه‌ای تبعات خطرناکی برای ترجمه در پی خواهد داشت؛ زیرا، مترجمان نابلد و نامترجمان با اتکا به این نظریه نه تنها پاسخ‌گوی ترجمه ضعیف احتمالی خود نخواهند بود، بلکه از این نظریه به صورت ابزاری برای توجیه کار خود استفاده خواهند کرد.

۲.۲. نهضت ترجمه بغداد

نهضت ترجمه بغداد از جمله درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ در انتقال علوم بشری به‌شمار می‌رود. فتوحات اسلام در سده‌های اول و دوم هجری و گسترش قلمرو حکومت اسلامی موجب شد تا مسلمانان با تمدن‌های بزرگ آن روز؛ یعنی یونان، ایران و هند پیوند فکری برقرار کنند (مدکور، ۱۳۶۵). در واقع، مسلمانان پس از فتوحات خود و آشنایی با تمدن‌های کهن و سترگ آن روز با گنجینه‌ای از علوم و معارف گوناگون مواجه شدند که پیش‌تر به آن‌ها دسترسی نداشتند؛ از این رو، به فکر انتقال مفاهیم نویافته به جهان اسلام افتادند و طبعاً ترجمه تنها ابزار این انتقال علمی بود؛ بنابراین، فرمانروایان اسلامی مترجمان خبره را به‌کار گرفتند و به کمک آنان آثار علمی و فلسفی موجود در قلمرو فتوحات خود را ترجمه کردند.

اما اوج نهضت ترجمه مسلمانان در فاصله سده‌های سوم تا پنجم؛ یعنی، در زمان حکومت منصور تا پایان خلافت مأمون عباسی رقم خورد (محقق، ۱۳۶۵) که از آن با عنوان «نهضت بغداد» یاد می‌شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های این نهضت پیروی از شیوه علمی در ترجمه است؛ طوری که یک متن چند بار به دست مترجمان مختلف و از روی منابع متفاوت ترجمه می‌شد. مدکور (۱۳۶۵، ص. ۹۲) در این باره می‌نویسد: «بیست و سه تن که بیش از نیمی از آن‌ها یونانی می‌دانستند اهتمام به ترجمه یا ترجمه مجدد آثار ارسطو کرده‌اند و از بیست کتاب ارسطو که جهان اسلام می‌شناخته است، تقریباً هشتاد و هشت ترجمه به‌دست داده‌اند؛ یعنی به‌طور متوسط برای هر کتاب بیش از چهار ترجمه».

تنوع آثار ترجمه‌شده و اتخاذ روش‌های مختلف در ترجمه از دیگر ویژگی‌های ترجمه در این نهضت است. در ارزش این ترجمه‌ها همین بس که امروز اصل یونانی برخی از ترجمه‌های عربی در دسترس نیست و ترجمه‌های عربی محتوای آن علوم را از دستبرد زوال درامان داشته‌اند.

تأسیس بیت‌الحکمه در اواخر عهد هارون نقطه عطف جریان ترجمه در نهضت بغداد به‌شمار می‌رود. بیت‌الحکمه که شاید بتوان آن را نخستین مرکز پیشرفته ترجمه در عالم دانست، «هم کتابخانه بود، هم مرکز ترجمه و هم مرکز پژوهش‌های علمی» (فانی، ۱۳۶۵، ص. ۱۰۴). در این مرکز علمی، دانشمندان علوم مختلف به پژوهش، ترجمه و ویرایش آثار علمی اهتمام داشته‌اند. به‌نظر می‌رسد یکی از عوامل پختگی ترجمه در این ایام ظهور بیت‌الحکمه بوده باشد.

۳. هدفمندی ترجمه در نهضت ترجمه بغداد

بنیان نظریه هدفمندی بر این اصل استوار است که کنش ترجمه هدفمند است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در این نظریه، ترجمه رفتاری هدفمند و مبتنی بر متن مبدأ است؛ اما در این نظریه، متن مبدأ صرفاً منبع اطلاعاتی است و مترجم بنا بر هدف‌گذاری خود با آن ارتباط برقرار می‌کند؛ بنابراین، در این نظریه، اصالت از متن مبدأ به متن مقصد تغییر می‌کند و نقش مترجم در فرایند ترجمه از واسطه‌ای بی‌اختیار به عاملی تعیین‌کننده در شکل‌دهی نهایی به متن ترجمه تغییر می‌یابد. افزون‌براین، در نظریه هدفمندی، هدف به سه صورت تبلور می‌یابد: فرایند، محصول و رسانه (ورمیر، ۱۹۸۹).

نهضت ترجمه بغداد نیز با هدف برطرف کردن نیاز علمی جامعه اسلامی آغاز شد و در طول دو قرن فعالیت پیوسته‌اش، جنبه‌های مختلف این هدفمندی را بروز داد. برای بررسی نظام‌مند هدفمندی ترجمه در طی نهضت ترجمه بغداد، وجوه مختلف نظریه هدفمندی (اسکوپوس) مبنای عمل قرار گرفته است.

۳.۱. فرایند ترجمه

در نظریه هدفمندی، فرایند ترجمه شامل انتخاب متن و روش ترجمه می‌شود؛ مترجم به‌مثابه یک کارشناس تشخیص می‌دهد چه روشی برای ترجمه اتخاذ کند و چه برخوردی با متن مبدأ داشته باشد (ورمیر، ۱۹۸۹)؛ براین اساس، در فرایند انتخاب متن برای ترجمه، یا متن

مبدأ پیشاپیش و بدون نظرخواهی از مترجم انتخاب می‌شود و یا مترجم به تشخیص خود آن را انتخاب می‌کند.

در جریان نهضت ترجمه بغداد، انتخاب آثار برای ترجمه در ابتدا نظام‌مند نبوده است و بیشتر تابع گرایش‌های فکری خلفا بوده است. به نظر می‌رسد در نهضت بغداد، انتخاب متون برای ترجمه به دو صورت بوده است و هر کدام براساس مقتضیات زمان خود انجام می‌شده است. دسته اول متونی بودند که به دستور خلیفه انتخاب می‌شده‌اند. این روند بیشتر در دوران نوپایی و سامان‌نیافتگی نهضت ترجمه؛ یعنی، دوران خلافت منصور و اوایل خلافت هارون‌الرشید بوده است. در این دوران کتاب‌هایی که مسلمانان در طی فتوحات خود به دست می‌آورده‌اند، به دستور خلیفه به مرکز خلافت ارسال می‌شده است و در آنجا گزیده آن‌ها ترجمه می‌گردیده است (جان‌احمدی، ۱۳۷۹). موضوع عمده این کتاب‌ها نجوم و طب بوده است. به نظر می‌رسد به دلیل نبود نگاه علمی به انتخاب متون برای ترجمه و نیز فقدان نیازسنجی دقیق، انتخاب آثار برای ترجمه در این دوران چندان عالمانه و آگاهانه نبوده باشد.

اما دسته دوم متونی بوده‌اند که در دوران بلوغ نهضت ترجمه بغداد؛ یعنی، اواسط خلافت هارون‌الرشید و سپس، در عصر طلایی مأمون ترجمه می‌شده‌اند. در این دوران، نیاز روزافزون حکومت اسلامی به معارف جدید، از یک سو و عطش امت اسلامی و به ویژه اهتمام هارون به نشر علم، از سوی دیگر سبب شد تا او سیاست جمع‌آوری کتب علمی و تاریخی از فتوحات مسلمین را درپیش گیرد (فانی، ۱۳۶۵). طبعاً نیاز بود تا تعداد بسیار زیاد کتاب‌های وارداتی ترجمه شوند و از همین رو، هارون دانشمندان علوم گوناگون را از ممالک مختلف به دربار خود فرا می‌خواند تا به ترجمه آثار ذکرشده بپردازند. علاوه‌براین، او گروهی از دانشمندان از جمله یوحنا و حنین را مأمور سفر به کشورهای مختلف و جمع‌آوری آثار علمی موردنیاز جامعه اسلامی کرد (جان‌احمدی، ۱۳۷۹)؛ امری که خود گواه روشنی بر هدفمندبودن گزینش آثار برای ترجمه در آن دوران است.

تأسیس بیت‌الحکمه در اواخر عهد هارون و شکوفایی آن در دوران مأمون می‌تواند دلیل دیگری بر ادعای نگارندگان مقاله مبنی بر هدفمندبودن انتخاب آثار برای ترجمه در آن دوران

باشد؛ زیرا، کار ویرایش، پژوهش و ترجمه کتاب در بیت‌الحکمه به‌طور تخصصی انجام می‌گرفته است و برای هر یک از موارد یادشده بخش خاصی وجود داشته است. همچنین، از آنجایی که افراد سرآمد هر علم در این مرکز علمی حضور داشته‌اند و ریاست آن همواره بر عهده یکی از مترجمان نخبه و باسابقه آن روزگار بوده است (برای مشاهده نام رؤسای بخش‌های مختلف بیت‌الحکمه به جان‌احمدی، ۱۳۷۹ مراجعه کنید)، می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب آثار در این دوران با نگاه کارشناسی و وسواس علمی زیادی صورت می‌گرفته است؛ همان‌طور که بدوی (۱۳۶۵) با اشاره به این مسئله بیان می‌کند که این افراد که از نخبگان علمی زمان خود بودند، در انتخاب و تهیه نسخه‌های اصیل و وسواس زیادی به‌خرج می‌دادند؛ به‌نحوی که گاه برای دسترسی به نسخه‌ای اصیل مجبور بودند نسخه‌بدل‌های آن‌ها را با هم مقابله کنند و آنچه را که به نظرشان درست می‌آمده است، گزینش کنند. جان‌احمدی (۱۳۷۹، ص. ۹) نیز در این باره می‌نویسد: «نخبگانی چون ماسویه و حنین بن اسحاق به انتخاب خلیفه و با میل باطنی به سفرهای دور و دراز رفته و آثار کهن علمی موردنیاز جامعه آن روز را یافته و برای ترجمه به دربار می‌آوردند».

افزون‌براین، در این دوران مترجمان بزرگ و بنامی همچون یوحنا بن بطریق، حنین و اسحاق به اوج پختگی و برجستگی علمی در ترجمه دست یافتند و ترجمه‌های بسیار ارزشمندی از آثار مهم علمی به‌دست دادند؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد در این دوره به‌دلیل برخورداری حاکمیت از موهبت وجود چنین دانشمندانی، نگاهی کاملاً علمی و هدفمند به مقوله انتخاب متون برای ترجمه حاکم بوده است. در واقع، در این دوران، دستگاه حاکم صرفاً نقش سفارش‌دهنده و حامی مالی را برعهده داشته است و انتخاب آثار مهم در هر علمی برعهده متخصصانی بوده که مأمور بررسی و گزینش آن آثار بوده‌اند.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، در نظریه هدفمندی، مترجم کارشناسی است که در انتخاب روش ترجمه اختیار دارد و بنابراین، براساس صلاحدید خود و به اقتضای هر متن، روش ترجمه را برمی‌گزیند (ورمیر، ۱۹۸۹). در نهضت بغداد نیز دست‌اندرکاران ترجمه از این امر مستثنا نبوده‌اند و از روش‌های مختلفی در ترجمه آثار بیگانه بهره‌جسته‌اند.

صلاح‌الدین صفدی از جمله محققانی است که به تحلیل شیوه‌های ترجمه در نهضت بغداد پرداخته است. او دو شیوه کلی ترجمه را در نهضت بغداد شناسایی کرده است: ترجمه کلمه‌به‌کلمه و ترجمه مفهومی (محقق، ۱۳۶۵). او روش اول را به یوحنا بن بطریق و ابن‌نعمیم الحمصی نسبت می‌دهد و می‌نویسد:

آن‌ها به کلمات مفرده و معنی آن نظر می‌افکنند و کلمه‌ای مفرد از زبان عربی را که مرادف آن در دلالت بر آن معنی باشد، انتخاب می‌کردند. به این ترتیب کلمه یونانی به کلمه عربی تبدیل می‌شد و با آن تبیین می‌گردید و با پیوستن کلمات، جمله‌ای عربی پدید می‌آمد (محقق، ۱۳۶۵، ص. ۲۱).

همان‌طور که از تعبیر بالا برمی‌آید، مترجمانی که این شیوه را به کار می‌بسته‌اند، تنها سعی در حفظ کلمات نویسنده داشته‌اند و خلاقیتی در معادل‌گزینی آن‌ها مشاهده نمی‌شده است. طبعاً چون در بسیاری از موارد تطابق صوری میان زبان عربی و یونانی یا سریانی ممکن نبوده است، واژگان متن اصلی عیناً به زبان عربی منتقل می‌شده‌اند و از این رو، سیل واژگان بیگانه به ساختمان زبان عربی هجوم برده‌اند و به نوعی یونانی‌مآبی را در زبان عربی به وجود آورده‌اند؛ اما نکته قابل‌تأمل در این زمینه علل روی آوردن این گروه از مترجمان به این شیوه ترجمه است.

در این گروه از مترجمان لفظ‌گرایی می‌تواند دو دلیل عمده داشته باشد: اول، تسلط‌نداشتن بر زبان‌های بیگانه (یونانی و سریانی)، ناآشنایی با محتوای علوم در دست ترجمه و ضعف در نگارش عربی؛ چنانکه حنین بن اسحاق در خصوص ترجمه سریانی «سرجس» از کتاب چاره درد (حیله البرء) جالینوس که متشکل از ۱۴ مقاله است، می‌گوید: «ترجمه شش مقاله اول در زمانی صورت گرفته بود که او در ترجمه ضعیف بود ولی هشت مقاله دیگر را هنگامی ترجمه کرد که مهارت کافی در ترجمه یافته بود» (محقق، ۱۳۵۵، ص. ۴۱۷).

البته بر این عوامل می‌توان عدم درک مترجم از مفهوم برخی عبارات و واژگان را نیز افزود؛ همان‌طور که فانی (۱۳۶۵، ص. ۱۱۷) با اشاره به این موضوع از قول یکی از مترجمان آن روزگار می‌نویسد: «در این مقاله مواضعی چند است که چون معنی درستش را نمی‌دانستم، تحت‌اللفظی ترجمه کردم»؛ البته اعتراف مترجم به نفهمیدن متن اصلی و توسل از سرناچاری به ترجمه لفظ‌گرا نشان از صداقت، دقت و البته تخصص وی دارد. فاخوری و جر (۱۹۸۶،

صص. ۲۹۲-۲۹۳) نیز بر این امر صحه گذاشته‌اند: «ما به اصل نسخ خطی کتب منطقی ارسطو در کتابخانه ملی پاریس دست یافتیم و به خوبی دریافتیم که ترجمه‌هایی که از آن‌ها به دست داده‌اند، در نهایت دقت و وضوح بوده است؛ مگر در مواردی که مترجم مقصود مؤلف را به خوبی دریافته است و در این صورت تحت‌اللفظی ترجمه کرده است».

دومین دلیل گرایش به ترجمه لفظ‌گرا که بیشتر درباره مترجمان طراز اول مکتب بغداد همچون یوحنا و حمصی صادق است، ناشی از وسواس فکری مترجمان و اصرار آن‌ها بر حفظ کلمات نویسنده بوده است. به سخن دیگر، شاید حساسیتی که این مترجمان نسبت به آثار در دست ترجمه و نویسندگان آن‌ها داشته‌اند، آنان را به اتخاذ روش لفظ‌گرا در مواردی معدود واداشته است تا مبدا به دلیل نبود معادلی جامع برای برخی از عبارات یا کلمات متن اصلی، چیزی از متن اصلی کم شود یا بر آن افزوده گردد؛ زیرا، مترجمان یادشده طبق اطلاعات موجود درباره میزان آگاهی و دانش‌ها، از سرآمدان ترجمه در عصر خود بوده‌اند و به زبان‌های عربی، سریانی و یونانی تسلط داشته‌اند؛ بنابراین، تصور اینکه اتخاذ روش ترجمه لفظ‌گرا از سوی آنان ناشی از ضعف زبانی بوده باشد، دشوار و بعید می‌نماید.

در روش ترجمه مفهومی که حنین بن اسحاق و جوهری از سرآمدان آن به‌شمار می‌روند (مانندی، ۲۰۱۲)، مترجم متن اصلی را می‌خواند و دریافت خود را به زبانی شیوا و روان برای خواننده ترجمه می‌کرد. در این زمینه صفدی (به نقل از محقق، ۱۳۶۵، ص. ۲۱) می‌گوید: «روش دیگر روش حنین، جوهری و دیگران است که محصول معنای جمله‌ای را در ذهن می‌آوردند و آن محصول معنا را طی جمله‌ای در زبان دیگر تعبیر می‌کردند». برگشتراسر، خاورشناس آلمانی، در خصوص ترجمه‌های حنین می‌گوید: «صحت ترجمه‌های او در حد کمال است و این احساس را به دل القا می‌کند که این صحت کلام مولود تکلفی رنج‌آور نیست؛ بلکه حاصل احاطه مطمئن و بلا مانع او بر الفاظ و تعبیرات است» (به نقل از مدکور، ۱۳۶۵، ص. ۹۴).

در این روش که امروزه از آن به ترجمه ارتباطی یاد می‌شود، دانش زمینه‌ای مترجم و نیز قدرت نگارش خلاق او اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا؛ مترجم باید از قدرت تحلیل متن و فهم

درست آن برخوردار باشد و این جز با تسلط او بر موضوعی که ترجمه می‌کند، امکان‌پذیر نیست. این مسئله درخصوص حنین و سایر مترجمانی که چنین روشی را برای ترجمه خود برگزیده‌اند، صادق است؛ زیرا، این گروه از مترجمان معمولاً درزمینه علمی موردتخصص خود دست به ترجمه برده‌اند. درواقع، ترجمه‌های علمی که با روش مفهومی صورت می‌گرفته‌اند، غالباً حاصل کار دانشمندان آن علوم بوده‌اند؛ برای مثال، در زمان خلافت منصور عباسی، جرجیس بن بختیشوع که سرآمد پزشکان عصر خود بوده است و به زبان‌های سریانی، یونانی، فارسی و عربی تسلط داشته، کتب پزشکی بسیاری را ترجمه کرده است (جان‌احمدی، ۱۳۷۹). در عهد هارون، نوبخت که از دانشمندان ممتاز ستاره‌شناسی بوده، آثار فراوانی را درزمینه اخترشناسی به عربی برگردانده است و حنین بن اسحاق نیز عهده‌دار ترجمه آثار فلسفی و پزشکی بوده و در عهد مأمون نیز به فعالیت خود ادامه داده است (جان‌احمدی، ۱۳۷۹).

البته روش ترجمه مفهومی خطر تحریف متن اصلی را نیز دربر دارد و آن زمانی است که مترجمی ناآگاه به موضوع، اقدام به ترجمه متن کند. این مطلب درخصوص ترجمه‌هایی که حنین از متون ریاضی انجام داده، صادق است؛ چنانکه دراین زمینه صفدی (به نقل از بدوی، ۱۳۶۵، ص. ۷۷) می‌نویسد: «کتاب‌های حنین بن اسحاق نیازی به تهذیب ندارد مگر در علوم ریاضی که او مهارتی در آن نداشت؛ برخلاف کتاب‌های پزشکی، منطق، علوم طبیعی و الهیات که ترجمه‌های او از این کتاب‌ها نیازی به اصلاح ندارند».

۲.۳. محصول ترجمه

محصول یا متن ترجمه‌شده یکی دیگر از ابعاد هدف در نظریه هدفمندی است. محصول ترجمه تابعی از هدف موردنظر برای ترجمه است و ازاین‌رو، با روش ترجمه ارتباط مستقیم دارد (ماندی، ۲۰۱۲). در نهضت بغداد، محصول ترجمه دو دوره متفاوت را پشت سر گذارده است: دوره اول از خلافت منصور تا به قدرت رسیدن مأمون و دوره دوم از خلافت مأمون تا پایان سلطنت عباسیان. در دوره اول که نهضت ترجمه در ابتدای راه بود و مخاطب آن خلفا و تعداد معدودی از دانشمندان آن عصر بودند، متن ترجمه مبتنی بر روش لفظ‌گرا، متنی

پردست‌انداز، دیریاب و مملو از واژگان بیگانه است. این امر تا به آنجا پیش می‌رود که پس از مدتی نوعی انزجار نسبت به کلمات یونانی و شورش علیه آن در میان مخاطبان عرب زبان شکل می‌گیرد (محقق، ۱۳۶۵).

پس از روی کار آمدن مأمون، به دلیل توجه ویژه او به ترجمه علوم مختلف و حساسیت وی نسبت به ترجمه و نیز فراگیر شدن علم به ویژه علوم کلامی در بغداد به دلیل مناظرات امام رضا (ع) با سران ادیان گوناگون، دامنه مخاطبان ترجمه گسترش چشمگیری می‌یابد و بنابراین، نیاز به ترجمه‌های روان و زود یاب فزونی می‌گیرد (جان احمدی، ۱۳۷۹). افزون‌بر این، در این زمان جریان ترجمه به کمال می‌رسد و روش ترجمه مفهومی روش غالب ترجمه می‌شود (فانی، ۱۳۶۵)؛ بنابراین، بیشتر ترجمه‌های این دوره ترجمه‌هایی سلیس، دقیق و قابل فهم برای مخاطبان هستند.

۳.۳. رسانه

آخرین بُعد از ابعاد سه‌گانه هدف در نظریه هدفمندی در ترجمه، رسانه و هدف از انتخاب آن است. با توجه به اینکه جریان ترجمه در نهضت بغداد به سوی متون علمی گرایش داشته است و مخاطبان آن عالمان و طلاب علوم مختلف بوده‌اند، ترجمه مکتوب و نه شفاهی، رسانه غالب ترجمه در این نهضت بوده است.

۴. مخاطب‌محوری در نهضت ترجمه بغداد

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه هدفمندی توجه ویژه به مخاطب و نیازهای او است. در این نظریه، اصالت و تقدس متن اصلی جای خود را به اهمیت و اصالت متن مقصد می‌دهد. به علاوه، هر متنی با توجه به مقتضیات زبان و فرهنگ مقصد ترجمه می‌شود؛ نکته‌ای که در اصل دوم این نظریه به صراحت بیان شده است. ورمیر معتقد است که کارکرد متن مبدأ و مقصد به طور جداگانه و با توجه به ویژگی‌های زبانی و فرهنگی هریک تعیین می‌شود و بنابراین، کارکرد متن ترجمه در زبان و فرهنگ مقصد لزوماً با کارکرد آن در زبان مبدأ یکسان نیست (ماندی، ۲۰۱۲، ص. ۱۲۲)؛ به این ترتیب، براساس این اصل تفاوت‌های موجود میان

گستره مخاطبان ترجمه در فرهنگ مقصد به طور ضمنی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که تعیین هدف ترجمه با توجه به نوع مخاطب و ویژگی‌های زبانی و فرهنگی مقصد بر انتخاب راهبرد و روش ترجمه تأثیر می‌گذارد؛ این امر نیز به نوبه خود امکان ارائه ترجمه‌های مختلف از یک اثر را فراهم می‌آورد (ماندی، ۲۰۱۲، ص. ۱۲۲).

نگاهی دقیق به نهضت ترجمه بغداد نشان می‌دهد در آن دوره نیز بحث مخاطب مطرح بوده است و یکی از دلایل مهم اتخاذ روش‌های مختلف در ترجمه متون بیگانه در این دوره نیز همین مسئله بوده است. در روند ترجمه در این دوره، مترجمان ابتدا متن یونانی را به سریانی و سپس، آن را به عربی ترجمه می‌کرده‌اند. در واقع، سریانی به مثابه زبان میانجی عمل می‌کرده است (بیکر، ۲۰۰۹، ص. ۳۳۲). با این وجود، به قول لوکلر (به نقل از فانی، ۱۳۶۰، ص. ۱۰۶)، «ترجمه‌های یونانی به عربی با استادی و دانش بسیار انجام گرفته و بسیار بهتر از ترجمه‌هایی است که بعدها از عربی به لاتین درآمد». ممکن است این پرسش مطرح شود که علت برتری کیفیت ترجمه‌های عربی چیست؟ فانی (۱۳۶۵، ص. ۱۰۷) علت این امر را تفاوت در نوع مخاطب می‌داند و می‌نویسد:

مترجمان عربی می‌دانستند که ترجمه‌های آنان را سخن‌شناسان عرب می‌خواندند و می‌دانستند اگر نامفهوم بنویسند سخت مورد ایراد و کنایه قرار خواهند گرفت. لذا کوششی که در ترجمه به عربی می‌کردند بسیار بیش از کوششی بود که در ترجمه‌های سریانی خود می‌نمودند. مترجم وقتی کتابی یونانی را به سریانی برمی‌گرداند، مخاطب وسیع و نقادی در برابر خود نداشت. مخاطبانش محدود و در خود بسته بودند و جامعه بسته هم از خود انتقاد نمی‌کند.

افزون‌براین، در این دوره هریک از دو روش ترجمه لفظ‌گرا و ترجمه مفهومی تابع شرایط زمانی ترجمه و نیز مخاطب بوده‌اند؛ بنابراین، گرایش عام به ترجمه نیز در هر دوره تغییر یافته است. روش ترجمه لفظ‌گرا بیشتر در دوره اول؛ یعنی، از زمان خلافت منصور تا اواسط خلافت هارون رواج داشته است؛ دوره‌ای که در آن نهضت ترجمه نوپا بوده و مخاطب عام نداشته است. در این دوره بیشتر موضوعات پزشکی و نجوم ترجمه شده‌اند (مدکور، ۱۳۶۵) که مخاطب آن‌ها محدود به دانشمندان و طلاب آن علوم بوده است؛ از همین رو، مترجمان

نیازی نمی‌دیده‌اند ترجمه‌های روان و قابل فهم برای عموم مردم ارائه دهند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اتخاذ روش لفظ‌گرا از سوی آنان همین مسئله بوده باشد.

اما روش ترجمه مفهومی که حنین و شاگردانش دنبال می‌کردند، پس از آن رواج یافت که با گسترش فعالیت‌های علمی بیت‌الحکمه و توجه بیش‌ازپیش مأمون به علوم عقلی، ترجمه مخاطب عام یافت و از دایره محافل علمی خارج شد. به گفته جان‌احمدی (۱۳۷۹، ص. ۱۱)، «سیاست خلیفه مبنی بر تشویق و ترغیب مردم برای مطالعه آثار ترجمه‌شده تحول علمی عمیقی در جامعه اسلامی پدید آورد». مدکور (۱۳۶۵، ص. ۸۲) نیز فراگیر بودن علم در دوران خلافت مأمون و توجه مردم به علم‌آموزی را تأیید می‌کند و در توصیف مردم بغداد در این دوران می‌نویسد: «مردمانی بوده‌اند که شیفته آموختن بوده‌اند چنانکه در آن زمان مساجد و مجامع غیرحکومتی به همان اندازه محل تحقیق و مطالعه بود که کاخ‌های خلیفه».

علاوه بر این، ظهور جریان معتزله در بغداد نیز بر اقبال عمومی به علم و به تبع آن ترجمه تأثیری دوچندان داشت: «ظهور و بسط این جریان سبب به‌راه افتادن جلسات مناظره میان موافقان و مخالفان این مکتب و در نتیجه، اقبال عمومی به مباحث مربوط به علوم عقلی شد» (جان‌احمدی، ۱۳۷۹، ص. ۱۱). این امر نشان می‌دهد ترجمه از محافل صرفاً علمی خارج شده و مخاطب عام یافته است و بنابراین، ترجمه‌ها باید برای عموم مردم قابل فهم می‌بوده‌اند. طبیعتاً در این شرایط ترجمه لفظ‌گرا نمی‌توانسته است پاسخ‌گوی نیاز علمی جامعه باشد و در نتیجه، ترجمه مفهومی بسط یافته است.

از دیگر مسائلی که سبب گرایش مترجمان به روش ترجمه مفهومی شد، انزجار مخاطبان ترجمه از یونانی‌زدگی رایج در ترجمه‌های دوره اول نهضت بغداد است. محقق (۱۳۶۵) دلیل این دلزدگی را دو چیز می‌داند: روشن و رسان بودن عبارات ترجمه‌شده و دشواری فهم کلمات نامأنوس یونانی. او در توصیف میزان انزجار عمومی از کلمات یونانی می‌نویسد: «این غرابت و نامأنوسی و دشواری و اشکالات چنان انزجاری به وجود آورد که مردم از هر کلمه یونانی حتی اسم‌های خاص تنفر داشتند ... و دانشمندان ناچار بودند الفاظ یونانی را به الفاظ اسلامی تبدیل کنند» (محقق، ۱۳۶۵، ص. ۳۴-۳۳).

۵. سفارش

از دیگر ویژگی‌های نظریه هدفمندی، طرح مسئله سفارش در ترجمه است. ورمیر (۱۹۸۹)، ص. ۲۳۵) سفارش را دستورالعملی می‌داند که «یا از سوی خود فرد و یا از طرف شخص دیگری برای انجام کنشی صادر می‌شود و در اینجا آن کنش، ترجمه است». او معتقد است که هدف و مخاطب در قالب سفارش تعیین می‌شود و می‌توان با نگاه به سفارش، هر دوی این موارد را تشخیص داد؛ بنابراین، از نظر ورمیر (۱۹۸۹)، اساس ترجمه سفارش است؛ زیرا، هدف ترجمه در سفارش تعیین می‌شود و این نکته به نوبه خود بر ماهیت متن و مقصد و راهبردهای ترجمه‌ای تأثیر می‌گذارد. در نظریه هدفمندی، سفارش شامل هدف و شرایط انجام ترجمه؛ یعنی، زمان تحویل و حواله می‌شود (ماندی، ۲۰۱۲). طبق این نظریه، در صورتی که سفارش کاملاً مشخص و دقیق باشد، مترجم می‌تواند در خصوص تغییراتی که باید در ترجمه اعمال کند تصمیم بگیرد. در جریان نهضت ترجمه بغداد نیز سفارش ترجمه نمود بارزی دارد؛ هرچند نه به اندازه‌ای که در نظریه هدفمندی مدنظر است. در سرتاسر نهضت ترجمه بغداد نقش حکومت در جهت‌دهی به جریان ترجمه در قالب سفارش آشکار و غیرقابل انکار است و شاید بتوان گفت که سنگ بنای نهضت بغداد پیوند میان فرهنگ و سیاست و نقش حمایتی بی‌بدیل دستگاه خلافت در امر ترجمه است؛ به نحوی که تصور شکوفایی ترجمه در این نهضت بی‌دخالت حکومت دور از ذهن است.

در عهد عباسی پیوند میان سیاست و ترجمه به حدی بوده است که می‌توان گفت در این دوران، جریان ترجمه به‌ویژه در فاصله میان زمامداری منصور تا اواسط دوره هارون، بیشتر تابع سلیقه و مشرب فکری خلفا بوده است. در دوران منصور و هارون عباسی به دلیل علاقه این دو خلیفه به مباحث نجوم و تاحدودی طب، بیشترین تعداد سفارش برای ترجمه مربوط به حوزه‌های یادشده است. در واقع، چون در بیشتر موارد حکومت سفارش‌دهنده ترجمه بوده است، در هر عهدی جریان ترجمه مطابق با سلیقه حاکمان پیش رفته است؛ برای مثال، در دوره مأمون نهضت ترجمه دو جریان متفاوت را طی کرده است: جریان نخست به اوایل زمامداری مأمون برمی‌گردد که او تحت تأثیر وزیر ایرانی خود، فضل‌بن سهل، گرایش به مطالعه نجوم

داشت و بنابراین، بازار ترجمه متون نجوم داغ بود. در این زمینه مسعودی (۱۳۶۵، ص. ۳۱۸، به نقل از جان احمدی، ۱۳۷۹، ص. ۱۱) می نویسد:

مأمون در آغاز به علت نفوذی که فضل ابن سهل و دیگران در او داشتند در احکام و قضایای نجوم می نگرست و تسلیم مقتضیات آن بود و روش شاهان قدیم ساسانی چون اردشیر و دیگران را گرفت و به خواندن کتاب های گذشته کوشید و مطالعه بسیار کرد و مطالب آن را دانست.

اما دوره دوم که شاید بتوان آن را نقطه اوج و اعتلای نهضت ترجمه بغداد دانست، پس از بازگشت مأمون به بغداد رقم می خورد که با «تکوین مذهب اجتهادی شیعه و مکتب کلامی معتزله» همزمان است (جان احمدی، ۱۳۷۹). این مسئله انقلابی فکری در خلیفه عباسی ایجاد می کند و او را به مباحث کلامی علاقه مند می سازد. به علاوه حضور علما و دانشمندان علم کلام در مرکز خلافت جریان تازه ای را در امر ترجمه به راه انداخت؛ جریانی که پس از حضور امام رضا (ع) در دستگاه خلافت و روش عقلانی ایشان در مناظرات علمی سیر تکاملی به خود گرفت (محقق، ۱۳۶۵)؛ به نحوی که علوم مختلف در کانون توجه دستگاه خلافت قرار گرفتند و به تبع آن ترجمه این علوم رونق گرفت. این امر به خوبی نشان می دهد که مشرب فکری خلفا تا چه اندازه بر سفارش ترجمه و متونی که برای ترجمه انتخاب می شده اند، تأثیرگذار بوده است.

بیت الحکمه که شاید بتوان آن را نخستین «فرهنگستان علوم» جهان دانست، مهم ترین مرکز دولتی سفارش ترجمه بوده است. در این مرکز علمی- پژوهشی که در سه حوزه تخصصی ترجمه، ویرایش و پژوهش فعالیت می کرده است، عده ای به پژوهش و عده ای نیز به ترجمه آثار مرتبط با زمینه علمی خود مشغول بوده اند. پس از اتمام، ترجمه های آنان به دست سرویراستار هر بخش ویراستاری علمی و فنی می شده است و سپس، برای دریافت مجوز نشر به خلیفه وقت تقدیم می شده و پس از تأیید او منتشر می گردیده است (جان احمدی، ۱۳۷۹).

به نظر می رسد حمایت مادی و معنوی خلفا از طریق سفارش ترجمه، از مهم ترین عوامل رونق ترجمه در عصر عباسی بوده است؛ زیرا، مترجمان نزد خلفای عباسی مقام والایی داشتند؛

تاجایی که گفته می‌شود هارون روزی در دربار خود گفت: «هرکه از من تقاضایی دارد به جبریل بن بختیشوع بگوید، من هر کار او بگویم می‌کنم و هر تقاضای او را بر می‌آورم» (مدکور، ۱۹۶۸، ص. ۸۴). در عهد مأمون نیز مترجمان جایگاه والایی داشتند؛ همان‌طور که جان احمدی (۱۳۷۹، ص. ۱۲) با اشاره به گشاده‌دستی مأمون در اعطای دستمزد به مترجمان می‌نویسد: «گشاده‌دستی وی گاهی به حدی می‌رسید که هم‌وزن کتاب ترجمه‌شده طلا می‌بخشید؛ بی‌تردید همین سیاست گشاده‌دستی و بخشش هدایا به مترجمان سبب ماندگاری آنان در بیت‌الحکمه می‌شد».

علاوه بر دستگاه خلافت به‌مثابه سفارش‌دهنده اصلی ترجمه در نهضت بغداد، اشخاص حقیقی نیز به‌طور محدود اقدام به استخدام مترجم برای ترجمه آثار موردنظر خود می‌کرده‌اند. از مشهورترین این افراد، بنوموسی، از دانشمندان ثروتمند عهد عباسی بوده است که به‌خاطر علاقه فراوان به علم‌آموزی «مترجمانی مانند حنین بن اسحاق و حبیب بن حسن و ثابت بن قره و چند تن دیگر را به خدمت گرفته بودند و در ازای ترجمه کتاب‌ها ماهانه مبلغی در حدود ۵۰۰ دینار به آن‌ها می‌پرداختند». (مدکور، ۱۳۶۵، ص. ۵۸)؛ به این ترتیب، می‌توان بنوموسی را نماد بخش خصوصی در زمینه ترجمه در نهضت بغداد دانست. علاوه بر دستمزد مترجم که در سفارش ترجمه از سوی بنوموسی مشخص بوده، موضوع علوم ترجمه نیز کاملاً مشخص بوده است؛ به‌گونه‌ای که هیئت‌هایی را برای گردآوری و گزینش متون موردنظر خود عازم کشورهای گوناگون می‌کرده‌اند. در این زمینه ابن‌ندیم می‌نویسد: «آن‌ها (هیئت مترجمان اعزامی) کتاب‌های شگفت‌انگیز و تصنیفات غریبی در فلسفه و هندسه و موسیقی و ارثماتیکی (حساب) و طب با خود آوردند» (الفهرست، ۱۹۷۹، صص. ۲۴۴-۲۴۳). سخن ابن‌ندیم به‌خوبی نشان می‌دهد موضوع ترجمه‌های سفارشی بنوموسی در چه زمینه‌هایی بوده است. به‌علاوه، استخدام مترجمان زبردستی چون حنین از سوی بنوموسی نشان می‌دهد آن‌ها روش ترجمه مفهومی را می‌پسندیده‌اند و مترجمان نیز با آگاهی از این مطلب به احتمال فراوان همین شیوه را در ترجمه خود به‌کار می‌بسته‌اند.

آگاهی غیرمستقیم از هدف و مخاطب و در نتیجه، تعیین روش ترجمه بر آن اساس، اتفاقاً از مواردی است که در نظریه هدفمندی به آن اشاره شده است. در این زمینه ورمیر (۱۹۸۹) می‌گوید: «مخاطب را به شکل غیرمستقیم نیز می‌توان تعیین کرد؛ برای مثال، اگر ناشری که در زمینه‌ای خاص کار می‌کند به مترجمی سفارش کار دهد، آگاهی از گستره فعالیت آن ناشر می‌تواند ایده خوبی در زمینه دامنه و نوع مخاطب به مترجم بدهد». با در نظر گرفتن این مسئله می‌توان دریافت مترجمانی که با بنوموسی همکاری داشته‌اند، با آگاهی از حساسیت کارفرمای خود به روان بودن ترجمه‌ها، روش ترجمه مفهومی را در پیش گرفته باشند.

حنین بن اسحاق نیز به صراحت از تأثیر نقش سفارش دهنده در کیفیت ترجمه سخن می‌گوید. او معتقد است کیفیت ترجمه بستگی به مترجم و نیز کسی دارد که برای او ترجمه می‌کند. او در رساله‌ای که برای علی بن یحیی درباره آنچه از آثار جالینوس و ارسطو به عربی و سریانی ترجمه شده است، مسئله دوم را توضیح می‌دهد و راجع به کتاب جالینوس درباره استخوان می‌گوید: «من این کتاب را چند سال پیش برای یوحنا بن ماسویه ترجمه کردم. هدف من در آن ترجمه این بود که اندیشه‌های جالینوس را در نهایت روشنی بیورم؛ زیرا، این مرد (یوحنا بن ماسویه) دوستدار سخن روشن است و پیوسته ما را به روشن نویسی می‌خواند» (بدوی، ۱۹۶۲، ص. ۷۷).

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان نمودهای عینی موارد مطرح در سفارش ترجمه در نظریه هدفمندی (هدف و شرایط تحقق ترجمه) را در نهضت ترجمه بغداد، در سطح دولتی و نیز در سطح خصوصی مشاهده کرد. همان‌طور که بیان شد، هدفمندی ترجمه در نهضت بغداد در انتخاب آثار برای ترجمه و نیز در روش ترجمه وجود داشته است. در جنبه انتخاب آثار، بیش از هر چیز جهت‌گیری فکری خلفا عامل تعیین‌کننده بوده است و در بُعد روش نیز دو شیوه لفظ‌گرا و مفهومی در کار مترجمان مکتب بغداد مشاهده می‌شود.

در نهضت ترجمه بغداد مخاطب نیز با توجه به مقتضیات زمان در تغییر بوده است. در دوره اول ترجمه در این نهضت، مخاطب ترجمه‌ها خلفا، دانشمندان و طلاب علوم دینی بوده‌اند. در دوره دوم؛ یعنی، اواسط عهد هارون و سراسر دوره مأمون، با توجه به سیاست

حکومت مبنی بر ترغیب مردم به فراگیری علم به ویژه علوم کلامی و فلسفی، ترجمه مخاطب عام می‌یابد. در نهضت بغداد، سفارش ترجمه نیز به صورت حرفه‌ای صورت می‌پذیرفته است؛ همان‌طور که موضوع ترجمه، روش ترجمه و دستمزد مترجم کاملاً مشخص بوده است. همچنین، سفارش ترجمه در دو سطح دولتی و خصوصی صورت می‌گرفته است؛ در بُعد دولتی، زمینه فعالیت و نیز میزان دستمزد مترجمان معین بوده است و این امر با تأسیس بیت‌الحکمه در اواخر دوران هارون شکل نظام‌مندتری به خود گرفته است. درباره میزان حقوق مترجمان در عهد مأمون نقل است که او هم‌وزن هر کتاب به مترجمان طلا می‌داده است (فانی، ۱۳۶۵). بنوموسی نیز که مهم‌ترین نماد بخش خصوصی در حوزه ترجمه در نهضت بغداد بوده است، حقوق مشخصی برای مترجمان خود در نظر می‌گرفته است و برای مترجمان روش و موضوع ترجمه را تعیین می‌کرده است.

۶. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر کوششی در راستای بررسی نهضت ترجمه بغداد از منظر شاخص‌های نظریه هدفمندی بود. در این مقاله، نمودهای عینی شاخص‌های مهم نظریه هدفمندی؛ یعنی، «مخاطب محوری»، «متخصص بودن مترجم»، «هدفمندی» و «سفارش» در نهضت ترجمه بغداد به اجمال بررسی گردید. این بررسی نشان داد آنچه در دهه ۱۹۷۰ با عنوان الگوی هدفمندی در ترجمه از سوی ورمیر مطرح شد، باندک تفاوتی، در دوازده قرن پیش و در جریان نهضت ترجمه بغداد متجلی بوده است؛ هرچند کنش ترجمه در آن دوران فاقد مبانی تئوریک مدون بوده باشد یا مبانی آن در دسترس ما قرار نگرفته باشد.

کتابنامه

- ابن ندیم، م. ب. ا. (۱۳۶۶). الفهرست (ر. تجدد، مترجم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
 الفاخوری، ح.، و الجبر، خ. (۱۳۵۵). تاریخ فلسفه در جهان اسلام (ع. ح. آیتی، مترجم). تهران: زمان.
 بدوی، ع. ا. (۱۹۶۲). فن ترجمه و انتقال فلسفه یونانی به جهان اسلام (ا. سعادت، مترجم). در نصرالله پورجوادی (ویراستار)، درباره ترجمه (صص. ۷۸-۵۷). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- جان احمدی، ف. (۱۳۷۹). نهضت ترجمه، نتایج و پیامدهای آن. بررسی تاریخ ترجمه در دوره اول خلافت عباسیان. *تاریخ اسلام*، ۱ (۴)، ۱-۴۵.
- فانی، ک. (۱۳۶۵). بیت الحکمه و دارالترجمه. در نصرالله پورجوادی (ویراستار)، *درباره ترجمه* (صص. ۹۹-۱۲۲). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محقق، م. (۱۳۵۵). *بیست گفتار در مباحث علمی و فلسفی و کلامی و فرق اسلامی*. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- محقق، م. (۱۳۶۵). نهضت ترجمه و نشر علوم بیگانگان در زمان حضرت امام رضا (ع) و پیامدهای آن. *فصلنامه ترجمه*، ۵، ۱۷-۳۸.
- مدکور، ا. (۱۹۶۸). *نهضت ترجمه در جهان اسلام* (ا. سعادت، مترجم). در نصرالله پورجوادی (ویراستار)، *درباره ترجمه* (صص. ۷۹-۹۸). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- Baker, M., & Saldanha, G. (Eds.). (2009). *The Routledge encyclopedia of translation studies* (2nd ed.). London and New York: Routledge.
- Gentzler, E. (Ed.). (1993). *Contemporary translation theories*. London and New York: Routledge.
- Lefevere, A. (1978). Translation: The focus of the growth of literary knowledge. In E. Gentzler (Ed.), *Contemporary translation theories*. London and New York: Routledge.
- Munday, J. (2012). *Introducing translation studies: Theories and applications* (3rd ed.). London and New York: Routledge.
- Ning, J. (2008). Skopos in practice: Building an appealing brand image in the translation of soft news. *Translation journal*, 12(4), 1-8.
- Vermeer, J. (1989). *Skopos and commission in translational action*. (A. Chesterman, Trans.). In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (2nd ed., pp. 221-223). London and New York: Routledge.